



نمایشگاه گروهی نقاشی

کیوریتور: سعید رفیعی منفرد
جمعه ۲۷ بهمن تا دوشنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۹۶

Crisis

Group Painting Exhibition

Curator: Saeed Rafeie Monfared

16-26 February 2018 4:00-8:00 p.m

امین باقری | علی رضاجدی | امید حلاج خوش شعار | سعید رفیعی منفرد | امیر حسین زنجانی | امیر سقراطی |
Amin Bagheri | Alireaz Jodey | Ahmad Morshedloo | Masoumeh Mozaffari | Nazar moosavinia |
کیومرث کیاست | احمد مرشدلو | معصومه مظلومی آزار موسوی نیا | سعید رفیعی منفرد | امیر حسین زنجانی | امیر سقراطی |
Omid Hallaj Khoshshoar | Saeed Rafeie Monfared | Amir Hossein Zanjani | Amir Soghrati |
Kayoumarth Kiasat

Crisis

Introduction

What has been exhibited from Iran's art in the universal arena during these years is more related to the works of artists who either present the middle-east situation through understandable codes for non-Iranian audience, or hold an orientalist or decorative art, performed in a modernist style among which, Saqakhaneh (movement) and its followers could be mentioned as a climax. In the meantime, there are few works that actually resembles an image from the current real society of Iran, based on living experiences.

But why the major part of what is exhibited as Iran's art is decontextualized to a great extent? And why the crisis-hit minds of an Iranian mind is not exhibited in the artworks of many of our contemporary artists? Such questions and many others about Iran's contemporary art could be a part of question proposing processes and the contemplative projects by our contemporary culture actors so as to develop the discussions relevant to the artist and society within a procedure for expanding his/her mind.

What has been discussed is based on a hypothesis that the artwork and the artist have to be in an action-reaction process with its environment. The forming of different movements within the social status of each period could be overviewed according to the history of art and significant events. That is why the author considers de-contextualization, as a defect in part of Iran's contemporary art. Also, such hypothesis could be challenged itself that whether the artwork have to be relevant to its social and cultural context? Or, what type and level do we mean when we talk about the relation between the artwork and the context?

Historical Compression

Few people deny that Iran's society is in crisis nowadays. Our society reacts and there the impatient spirit and mind is quite outstanding. There are several social, cultural, and historical reasons to explain this situation; lack of understanding towards our inside and outside world and perceiving universal realizations based on immature constructed

آیا آن چه به عنوان هنر ایران در عرصه‌ی بین‌المللی نمایش داده می‌شود را می‌توان نمایی جامع از هنر معاصر ایران دانست؟ آیا می‌توانیم از هنرمان منظری جدی‌تر و بر مبنای تجربه‌ی پر تنش اینجا و اکنون ارائه دهیم؟ آیا می‌توانیم به جهان بیرون از خودمان کمک کنیم تا دریچه‌ی شناختش را بازتر کرده و به فهمی عمیق‌تر نسبت به ما برسند؟ و آیا ما، دارای شناختی عمیق و فهمی قابل اتکا از خود هستیم تا آن را با دیگران به اشتراک بگذاریم؟

با نگاهی کلی می‌توان دید که آن چه در این سال‌ها از هنر معاصر ایران در عرصه‌ی جهانی به نمایش درآمده، بیشتر مربوط به آثار هنرمندانی است که یا وضعیت خاورمیانه‌ای را با کدهای قابل فهم مخاطب غیر ایرانی ارائه می‌دهند و یا نوعی هنر شرقی مآب و تزینی است که با رفتاری مدرنیستی اجرا می‌شود و نقطه‌ی اوج آن را می‌توان در آثار هنرمندان موسوم به سقاخانه و مقلدین بعدی آن‌ها دید. در این بین کمتر آثاری دیده می‌شود که بر مبنای تجربه‌ی زیسته‌ی اینجایی شکل گرفته باشد و آن را بتوان تصویر و تصویری از واقعیت امروز جامعه‌ی ایران دانست.

اما چرا حجم زیادی از آن چه به عنوان هنر معاصر ایران نمایش داده می‌شود تا این حد زمینه‌زدایی شده است؟ و چرا ذهن بحران زده‌ی ایرانی در آثار بسیاری از هنرمندان معاصر ما دیده نمی‌شود؟ این‌ها و بسیاری از پرسش‌های دیگر در باب هنر معاصر ایران می‌تواند بخشی از فرایند پرسشگری و پروژه‌ی فکری کنش‌گران فرهنگ معاصرمان باشد تا با گسترش فضای بحث، هنرمند و جامعه، در روندی درگیرانه برای توسعه‌ی فضای ذهنی خود قرار بگیرند. آنچه گفته شد البته بر مبنای این فرض کلی و البته قابل بحث است که اثر هنری باید در کنش و واکنش نسبت به فضای پیرامون باشد. با نگاهی به تاریخ هنر و رخدادهای مهم هنری نیز می‌توان زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های هنری در فضای اجتماعی هر دوره را بازبایی کرد، از این روست که نگارنده، زمینه‌زدایی را به عنوان نوعی نقصان در بخشی از هنر معاصر ایران می‌داند. البته این فرض را نیز می‌توان به چالش کشید که آیا اثر هنری باید با زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی خود در ارتباط باشد یا خیر و یا وقتی از رابطه‌ی اثر هنری با زمینه سخن می‌گوییم، چه نوع و سطحی از رابطه را در نظر داریم.

فشرده‌گی تاریخی

این که ایران امروز جامعه‌ای بحران زده است را کمتر کسی کتمان می‌کند. جامعه‌ی ما واکنش‌هایی از خود نشان

frames of our mind, incapability of effective discursive communicating with the western world, the procrastination of Iranian thinking movement for continuous centuries, lack of coherent structures of evaluation, criticism and analytical principles, consuming translations instead of productions, prioritizing production-based development over balanced and thorough development, lack of meritocracy and many other reasons which were influential in forming such situation.

Aside from the mentioned historical and cultural factors, there have been other events during the last decade such as revolution, war, economic regression, population explosion, restricted social and political contexts, which leads to periodical stress, destruction of last generation's apparently stabilized beliefs and so forth. These factors have faced Iran (today) with a historical compression and a crisis accumulation with its layers being extended and deepened day by day. Unexplained and unsolved social problems of the last century have sidetracked our individual and group actions from the rational and historical timeline, pushing us to a simultaneous mass of disasters which leaves us with impatience in the end. Identity crisis and cognition crisis result in social, cultural, and economic crisis respectively are examples of our situation today that are presented in some artworks.

The Art of Crisis

Investigating Iran's contemporary arts movements is a new process and there are very limited sources produced. Recognizing what has happened during these three recent decades seems to be complicated and yet necessary due to several reasons. The variety of artistic experiences in contemporary art discursive, the new generation with a positive vigorousness, the opened windows for an Iranian artist through global social networks and many other factors have turned Iran's contemporary art into a diverse context based on the approaches and at the same time makes it look messy, though it is actually not, according to its aspects on the outside.

For those artists who have emerged during the last three decades, Iranian modernism was not enough because simply relying on form-based experiences and at the same time, it was incapable of understanding the total aspects of modern principles features. Therefore, a new generation of artists has emerged who began to create works with references to human regarding all types of identity, social, economic and political crisis with their serious accents; it did not simply accept the mere approach of modernism, nor could it express its issues through the flowers and birds of orientalism or attempting to become a middle-eastern superstar. "The Art of Crisis" might express the mental and practical sphere of such independent artists. Regardless of their differences in forms, they have several common features; they all have humane concerns, they are technically strong and their artworks are often serious and bitter.

The present exhibition is an attempt to exhibit an aspect of Iran's art which is seen less and it intends to provide a chance for artists whose works exhibit human in crisis. Still, this is not the whole thing. We hope for a little space for more noble discourses and provide an opportunity to see the "bitter" works as well.

Saeed Rafiee Monfared | February 2018

Translated by: Narges Marandi

می‌دهد که به راحتی می‌توان ذهن بحرانی و روح ناشکیبای جمعی را در آن دید. دلایل متعدد تاریخی و فرهنگی و اجتماعی برای توضیح این وضعیت وجود دارد. عقب‌ماندگی در فهم جهان درون و بیرون و دریافت تفکر جهانی بر مبنای چهار چوب‌های پر ساخته‌ی ذهن نابالغ و توسعه نیافته‌مان، لکنت در برقراری گفت‌وگو با غرب، خوابزدگی جریان فکر ایرانی برای قرون متمادی، نداشتن ساختارهای منسجم سنجش و نقد و انضباط تحلیلی، گرایش به مصرف فکر ترجمه‌ای به جای تولید فکر، تقدم توسعه‌ی محصول‌گرا بر توسعه‌ی متوازن و همه‌جانبه، نبود شایسته‌سالاری در عرصه‌های زیست اجتماعی و موارد بسیاری از این دست را می‌توان نام برد که در دوره‌ی زمانی طولانی مدت در شکل‌دهی وضع موجود نقش داشته‌اند.

در کنار عوامل تاریخی و فرهنگی فوق، رخدادهای چند دهه‌ی اخیر مانند انقلاب، جنگ، بحران اقتصادی، انفجار جمعیتی، فضای بسته‌ی سیاسی و اجتماعی که زمینه‌ساز تنش‌های دوره‌ای است، فروپاشی باورهای به ظاهر تثبیت شده‌ی نسل‌های پیشین و موارد دیگری را نیز می‌توان به دلایل بحران امروزی افزود. همه‌ی این‌ها، ایران امروز را با نوعی فشرده‌گی تاریخی و انباشتگی بحران مواجه ساخته است که روز به روز بر لایه‌هایش افزوده و عمق آن بیشتر می‌شود. به همین دلیل است که در زمانه‌ی ما این حد فشرده زندگی می‌کنیم. مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی که در سده‌ی اخیر حل نشده باقی مانده‌اند، کنش فردی و جمعی ما را از مسیر خطی و منطق تاریخی خارج کرده و ما را دچار نوعی همزمانی مصائب کرده و مجال صبورانه عمل کردن را از ما گرفته است. بحران هویتی، بحران معرفتی و به پی آمد آن بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، سرنمون‌هایی از وضع امروز ماست که نمود آن را در آثار خلق شده توسط برخی از هنرمندان معاصر ایران می‌توان جستجو کرد.

هنر بحران

واکاوی جریان‌های هنر معاصر ایران امری نوباست و حجم مطالب تولید شده در این زمینه بسیار محدود است. شناخت آن چه طی سه دهه‌ی پر اهمیت اخیر در هنر ایران رخ داده به دلایل متعدد، امری پیچیده، چند لایه و البته ضروری است. تنوع تجارب هنری در گفتمان هنر معاصر، وجود نسل جوان و جست‌وجوگر که واجد نوعی پرخاشگری سازنده‌اند، باز شدن جهان پیش روی هنرمند ایرانی به واسطه‌ی شبکه‌ی جهانی ارتباطات و بسیاری از عوامل دیگر، هنر معاصر ایران را به لحاظ رویکردها، متنوع و به لحاظ نمودهای بیرونی، آشفته‌نما کرده است.

برای تعدادی از هنرمندان که طی سه دهه‌ی اخیر وارد عرصه‌ی حرفه‌ای هنر ایران شده‌اند، مدرنیسم ایرانی که بیشتر به تجربه‌های شکل‌گرایانه بسنده می‌کرد و توانایی درک همه‌جانبه‌ی شاخصه‌های تفکر مدرن را نداشت، کافی نبود. از این رو نسلی از هنرمندان ظهور کرد که دست به خلق آثاری با ارجاع به مفاهیم انسانی زدند و به پیامد همه‌ی بحران‌های هویتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که یکی بعد از دیگری پیش آمدند. آثار این هنرمندان نیز لحنی جدی به خود گرفت. آثاری که نه رویکرد صرفاً مدرنیستی را در خلق اثر هنری می‌پسندید، نه جهان گل و بلبل هنرمندان اورینتال می‌توانست مسایل اش را بیان کند و نه در پی تبدیل شدن به سوپرستار خاور میانه‌ای بود. شاید «هنر بحران» تا حد زیادی بیانگر فضای ذهنی و کاری این طیف از هنرمندان عمدتاً مستقل باشد. این هنرمندان علیرغم تنوع ریخت‌شناسی آثارشان، دارای چند وجه مشترک هستند؛ همه‌ی آن‌ها دغدغه‌ی انسانی دارند، به لحاظ توانمندی تکنیکی، کاربرد و قوی هستند و فضای غالب آثارشان جدی و بعضاً تلخ است.

آن چه در این نمایشگاه گرد آمده، تلاشی است برای نمایش وجهی از هنر ایران که خواسته یا ناخواسته کمتر دیده شده و فراهم آوردن فضایی برای دیده شدن آثار هنرمندانی است که شرایط بحرانی انسان معاصر در آثارشان قابل مشاهده است. بی‌شک این تمام ماجرا نیست، اما امیدمان بر آن است که فضای کوچکی را برای گفتمان‌های جدی‌تر و دیده‌شدن آثار به اصطلاح تلخ باز کند.

/// سعید رفیعی منفرد | بهمن ۱۳۹۶ ///



بدون عنوان | ۱۳۹۴ | راپید روی مقوا | ۴۱×۱۱cm

Untitled | 2015 | Pen on cardboard | 41×11cm

Kayoumarth Kiasat

Tabriz, 1948 |

تبریز، ۱۳۲۷ |

کیومرث کیاست رسانه‌ی طراحی را ابزاری برای بیان خویش کرده است. او روایتگر وضعیتی ناموجه است و آدم‌های بی‌قرارش در آستانه‌ی اضطراب و اضطراب ایستاده‌اند. Kayoumarth Kiasat has appropriated drawing for his expressions. He speaks about an unjustified situation with his humans on the verge of compulsion and anxiety. |



کیومرث کیاست



بدون عنوان | ۱۳۹۵ | خودکار روی مقوا | ۱۲۰×۹۰cm

Untitled | 2016 | Pen on cardboard | 120×90cm

Ahmad Morshedloo

Mashhad, 1973 | MA in Painting

۱۳۵۲ مشهد | فوق لیسانس نقاشی |

احمد مرشدلو بر خوردی صریح با وضعیت اینجا و اکنون دارد و ما را در مواجهه‌های مستقیم با خودمان قرار می‌دهد. آثار او آینه‌ای است در برابر تناقض‌ها و مخاطرات و واقعیت‌ها. Ahmad Morshedloo has an explicit approach with the present situation and confronts us with ourselves. His works are like mirrors, reflecting contradictions, hazards, and realities. |



احمد مرشدلو



از مجموعه «بر چهره هایشان» | ۱۳۹۰ | اکریلیک روی بوم | ۱۵۰×۱۵۰ cm

Upon their face | 2011 | Acrylic on canvas | 150×150cm



کت واک | ۱۳۹۴ | رنگ روغن روی بوم | ۲۰۰×۲۵۰ cm

Cat Walk | 2015 | Oil on canvas | 200×250cm

Masoumeh Mozaffari

Tehran, 1958 | MA in Painting

تهران ۱۳۳۷ | کارشناسی ارشد نقاشی

معصومه مظفري در تمام لحظه‌های زیست هنرمندانه‌اش، ذهنی حساس و اجتماعی دارد و همواره در پی رهیافتی برای بیان خویش است. نقاشی‌های هوشمندانه‌ی او نمایش زیست پرچالش ماست.

Masoumeh Mozaffari has a sensitive and social mind in her artistic life. She keeps investigating an approach for expressing herself. Her sensible paintings is an exhibition of our challenges in life.



معصومه مظفري

Amir Hossein Zanjani

Esfahan, 1980 | MA in Painting

اصفهان ۱۳۵۹ | کارشناسی ارشد نقاشی

امیر حسین زنجانی، جهانی برای واکاو و غرقه شدن پیش چشم ما می‌نهد، او در پی قابل تحمل کردن فاجعه برای رسیدن به درکی عمیق از آن است و به نوعی مهربانی با رنج رسیده است.

Amirhossein Zanjani confronts us with a world for investigation and drowning; he attempts to deeply realize the chaos by making it sufferable.



امیر حسین زنجانی



از مجموعه جنگل های سمی | ۱۳۹۴ | اکریلیک روی بوم | ۱۵۰×۲۰۰ cm

Toxic Forests | 2015 | Acrylic on canvas | 150×200cm

Nazar Moosavinia

Abadan, 1979 | MA in Painting

فوق لیسانس نقاشی | ۱۳۵۸ آبادان

نزار موسوی نیا کابوس های بیداری را در برابر چشمان ما می آورد. وضعیتی پر حول و هراس که از شدت

سیاهی نادیده اش می گیریم. او تشبیت شدگی را به چالش می کشد.

Nazar Mousavinia resembles our nightmares while we are awake. A horrible situation that we keep ignoring because of its gloom. He challenges stability.

نزار موسوی نیا



بدون عنوان | ۱۳۹۶ | اکریلیک روی بوم | ۱۵۰×۲۵۰ cm

Untitled | 2017 | Acrylic on canvas | 150×250cm

Saeed Rafiee Monfared

Tehran, 1971 | BA in Painting

۱۳۵۰ تهران | کارشناسی نقاشی

سعید رفیعی منفرد نقاش حالات و رفتار انسان ایرانی در وضعیت های بغرنج معاصر است. او همان بیم و امیدهایی را پیش روی مخاطب می گستراند که خود زیسته است. (بر گرفته از استیتمنت نمایشگاه نابودگی،

Saeed Rafeei Monfared paints behaviors and moods of an Iranian

individual in the critical contemporary situation. He devotes the same fears and

hopes to the audience that he has lived himself. (Based on the statement of None-existence)

سعید رفیعی منفرد





از مجموعه خطرنج | ۱۳۹۵ | اکریلیک روی مقوا | ۷۰×۵۰cm

From the series "khatranj"s | 2016 | Acrylic on cardboard | 70×50cm

Amir Soghrati

۱۳۵۸ رشت | دانش آموخته رشته گرافیک مطبوعاتی

Rasht, 1979 | Publication & Press Graphic Arts Graduate

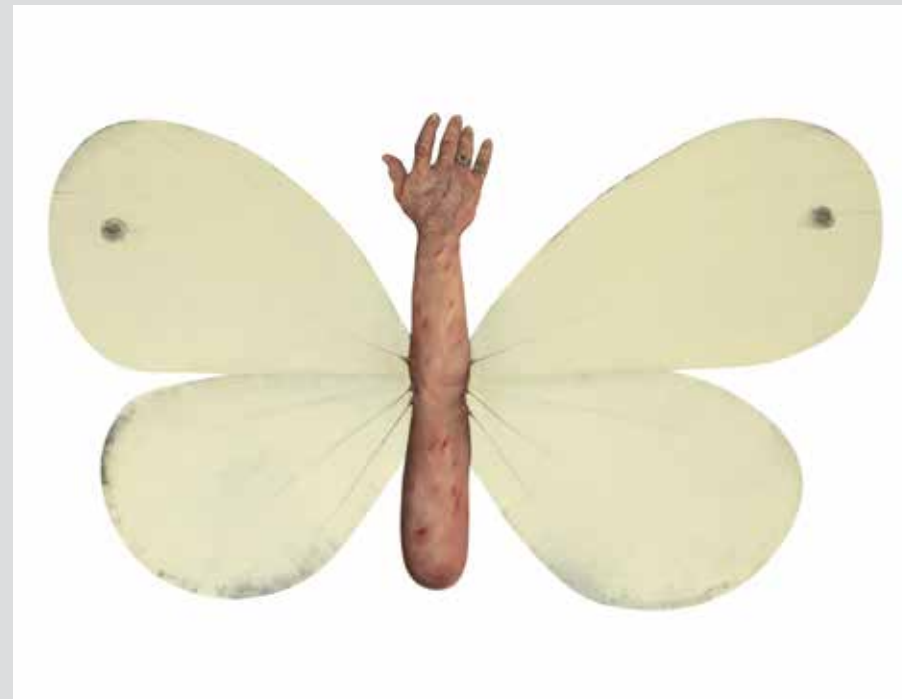
خطرنج‌های امیر سقراطی به واسطه‌ی فی‌البداهگی در اجرا و توان طراحیانه و نگاه تهاجمی به موضوع

انسان، ذهن مخاطب را به چالش می‌کشند. او اضطراب ما را به خط می‌کشد. Amir Soghrati's Khatranj

(sketch-pain) confronts the audience with challenge regarding his spontaneity and capability in drawing and his aggressive point of view. He turns our anxieties into lines.



امیر سقراطی



بیترفلای | ۱۳۹۱ | رنگ روغن روی بوم | ۱۵۰×۲۰۰cm

Bitterfly | 2012 | Oil on canvas | 150×200cm

Seyed Amin Bagheri

۱۳۶۰ رشت | فوق لیسانس نقاشی

Rasht, 1981 | MA in Painting

نقاشی‌های امین باقری درگیرانه و گاه خصمانه‌اند و این، برآیند نحوه‌ی زیست امروز ماست. او ضربه‌ای

مستقیم به ما می‌زند تا سطح هوشیاریمان را ارتقاء دهد. آثار او مواجهه با خواب‌زدگی است.

Amin Bagheri's paintings are complex and even hostile which is the result of our lifestyles today. He strikes us directly to increase our consciousness. His works are against somnolence.



سید امین باقری



از مجموعه داستان سر به مهر | ۱۳۹۱ | ترکیب مواد روی چوب | ۱۸۳×۲۴۴cm

Sealed story | 2012 | Mixed Media on board | 183×244cm



از مجموعه تقریر گاه | ۱۳۹۵ | رنگ روغن روی بوم | ۱۲۸×۱۷۴cm

Confessional | 2017 | Oil on canvas | 128×174cm

Alireza Jodey

Qazvin, 1969 | MA in Painting

۱۳۶۸ قزوین | کارشناس ارشد نقاشی

جهان نقاشی‌های علی جدی، جهان امروز ماست که با زبان اساطیر سخن می‌گوید، روایت‌های منحصر به

فرد او از درون سنت تجسمی ما به بیانی عمیقاً معاصر رسیده‌اند. | Ali jodey's paintings exhibit our

today's world, speaking a mythical language; his extra-ordinary narrations have reached to a pure contemporary expression through our visual traditions. |



علیرضاجدی

Omid Hallaj Khoshshoar

Tehran, 1980 | BA in Painting

۱۳۵۸ تهران | کارشناسی نقاشی

جهان امید حلاج، جهان رمزواره هاست و آدمی در آثارش درگیر و دار فروپاشی است و نوعی زیست تنش‌آلود را تجربه می‌کند. عناصر گسترده‌ی آثارش نوعی سمفونی تلاطم را شکل می‌دهند. |

The paintings of Omid Hallaj, is a world of signifiers. One would be at the edge of collapsing, experiencing a rigid life. The wide elements resemble a symphony of agitation. |



امیدحلاج خوش‌شعار

بجران جمعه بیست و هفتم بهمن ماه تا دوشنبه هفتم اسفند ماه ۱۳۹۶ ساعت ۱۶ تا ۲۰

Crisis

Group Painting Exhibition

16-26 February 2018 | visiting hours: 4-8pm | Gallery is closed on Tuesdays
No.130, West Hoveyzeh St. North Sohrevardi Ave. Tehran

www.sareban.gallery | tel: 021 88 50 42 26 - 8



گالری ساریبان
Sareban Gallery